یادداشت میهمان

تضمین‌هایی که باید بدهند!

۱- خروج آمریکا از برجام بعد از جنگ تجاری با اروپا و چین، در حقیقت اعلام جنگ اقتصادی با ایران بود و اروپایی‌ها برای اینکه جلوی تحریم‌های آمریکا بایستند، باید وارد یک نبرد تجاری دیگری البته به مراتب بزرگ‌تر شوند که قطعاً چنین توانایی و ظرفیتی ندارند و «بسیار بعید است» چنین اراده‌ای داشته باشند! اروپا نمی‌تواند هم با آمریکا همسو شود که با ایران اعلام جنگ اقتصادی کرده و هم با ایران همراه شود که هدف جنگ اقتصادی آمریکا قرار گرفته است. عقلاً و منطقاً هم اروپا حجم ده‌ها برابری تجاری با آمریکا (۵۴۰ میلیارد دلاری) را در مقابل روابط ناچیز با ایران (۱۵ میلیارد دلاری) رها نخواهد کرد، مگر اینکه پشت پرده قرارداد عصر قاجاری برای فروختن کل ایران به دست آورده باشد! آن‌گونه که رهبر معظم انقلاب ایجاد تردید جدی کردند که «بسیار بعید است» اروپایی‌ها تضمینی بدهند، موگرینی و وزیر اقتصاد آلمان نیز بر این سخن رهبری تاکید کردند که «اتحادیه اروپا قادر نیست ضمانت‌های حقوقی-سیاسی و اقتصادی به ایران بدهد»! لذا اروپایی‌ها که خود وضع‌کننده تحریم‌ها علیه ایران، از جمله بازگرداندن تحریم‌ها علیه بانک تجارت و ۳۲ شرکت کشتیرانی هستند، چگونه می‌خواهند در مقابل تحریم‌های آمریکا تضمین بدهند؟! مگر اتحادیه اروپا اواخر فروردین آماده اعمال تحریم‌های موشکی جدیدی علیه ایران نبود، اما در توافق با ترامپ برای اینکه بتواند ادعای ماندن در برجام را داشته باشد، از تصویب آن فعلا صرف‌نظر کرده است؟ یک روز بعد از اینکه رئیس‌جمهور آمریکا دستور کاهش خرید نفت و محصولات نفتی از ایران را داد، شرکت بی‌ای‌پی مولر-مائرسک و همچنین سخنگوی شرکت نفتکش TORM دانمارکی و مدیران عامل زیمنس آلمان و توتال فرانسه اعلام کردند «هیچ قرارداد اقتصادی با ایران نخواهیم بست و مراودات تجاری خود با ایران را متوقف کردیم». اینها فقط نمونه‌ای از رفتار اروپایی‌ها در مقابل آمریکا با ایران است و در حقیقت خروج آمریکا از برجام همان چماق همیشگی، البته این بار برای فشار در جهت انجام مذاکرات جدید و ماندن اروپایی‌ها در برجام هم همان هویج همیشگی، البته این بار برای حفظ محدودیت‌های اعمال‌شده بر صنعت هسته‌ای کشور است.

۲- اتحادیه اروپا برای تبدیل وعده‌ها و ادعاهای خود به عمل باید تضمین‌های زیر را در دستور کار قرار دهد و دولت ایران در صورتی که نتوانست چنین تضمین‌هایی دریافت کند، دیگر دلیلی برای ماندن در برجام نخواهد داشت. اولا دولت ادعا داشت تحریم‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای! علیه ملت ایران را می‌خواهد بردارد، اما نه تنها نتوانست بلکه مسئولان خودش هم مشمول تحریم‌های آمریکا شدند، لذا دولت اگر توانایی دیپلماتیک دارد و اگر اروپایی‌ها هم در ادعای خود صادقند، باید اولین تضمینی که داده و دریافت می‌شود، خارج کردن نام رئیس‌کل بانک مرکزی باشد و اگر این تضمین عملی شد، سراغ بقیه تضمین‌های دیگر بروند. ثانیا هرچند به تذکر رهبری به رئیس‌جمهور در نامه ۲۹ مهر۹۴ مبنی بر اخذ تعهد کتبی از رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه اروپا درباره لغو تحریم‌ها عمل نشد، اما اکنون با عبرت از گذشته یکی از تضمین‌هایی که دولت باید دریافت کند و اروپایی‌ها باید بدهند، تعهد کتبی رئیس‌جمهور فرانسه، نخست‌وزیر انگلیس و صدراعظم آلمان است. البته آن زمان که چنین تعهدی ندادند، «بسیار بعید است» اکنون بدهند! ثالثا اروپایی‌ها در این مذاکرات باید تعهدات عمل نشده آمریکا را متقبل و قبل از هرگونه دادن تضمینی اجرا کنند که این لازمه دادن و دریافت تضمین‌های واقعی خواهد بود. اما اروپایی‌ها که تعهدات خود را انجام ندادند، «بسیار بعید است» بتوانند درباره تعهدات آمریکا تضمین بدهند. رابعا اروپایی‌ها باید آمریکا را وادار به اعمال نکردن تحریم‌ها علیه ملت ایران کنند چراکه در مقابل اجرای تعهدات ایران، اساس برجام حذف تحریم‌های ایران بوده است. اگر اروپایی‌ها نتوانند جلوی اعمال تحریم‌های آمریکا را بگیرند، عملا باید روشن کنند که در اعلام حمایت ظاهری از برجام، برجام را برای اجرای کدام بندش می‌خواهند؟ با توجه به اینکه اروپایی‌ها- هرچند ظاهراً- نتوانستند جلوی خروج آمریکا از برجام را بگیرند، «بسیار بعید است» بتوانند جلوی تحریم‌های آمریکا را بگیرند. خامسا اعلام اصل استقلال راهبردی اروپا از آمریکا و استقلال مالی از دلار مهم‌ترین تضمینی است که اروپایی‌ها باید به جمهوری اسلامی بدهند و تعهد دهند در هیچ‌گونه اقدام خصمانه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ازجمله هسته‌ای و موشکی و قدرت دفاعی و نقش ثبات‌زا و امنیت‌زای ایران در منطقه همراهی نخواهند کرد. اما همان‌گونه که مکرون و مرکل و وزیر خارجه فرانسه گفته‌اند «حاضر نیستند با ایران علیه آمریکا متحد شوند و استقلال راهبردی اروپا با اتحاد با آمریکا محقق خواهد شد»، اروپایی‌ها «بسیار بعید است» چنین تضمینی بدهند. سادسا اروپایی‌ها باید اجرایی شدن «قانون انسداد» مصوب ۱۹۹۶ که پایبندی شرکت‌های اروپایی به تحریم‌ها و مجازات‌های فراسرزمینی آمریکا را غیرقانونی می‌داند، اعلام کنند. اما همان‌گونه که این قانون برای دور زدن تحریم‌های کوبا تصویب شد، اما هیچ‌گاه اجرا نشد، «بسیار بعید است» درباره ایران نیز اجرایی شود. سابعا اتحادیه اروپا باید با تاسیس دفتری، شرکت‌ها و کشورهایی که تحریم‌های آمریکا را اجرا می‌کنند و تصمیمات این اتحادیه را رعایت نمی‌کنند، مورد مجازات قرار دهد. با توجه به اینکه اروپایی‌ها در جنگ تجاری آمریکا با خود نتوانستند چنین کنند، «بسیار بعید است» در جنگ اقتصادی آمریکا با ایران چنین کنند. ثامنا اروپایی‌ها باید تضمین دهند حجم تجاری خود با ایران شامل صادرات و واردات متوازن را در یک بازه زمانی مشخص مثلا سه‌ماهه یا شش‌ماه به دو برابر میزان فعلی برسانند. دادن چنین تضمینی هم «بسیار بعید است» چراکه سفیر انگلیس در نشست آتلانتیک تاکید کرده «میزان تجارت اروپا و به ویژه انگلیس با ایران بعد از برجام با قبل از برجام تغییر چندانی نکرده و دلیل آن فعالیت‌های ایران در منطقه است».

۳- درصورتی‌که این تضمین‌ها حاصل نشود باید قرارداد کنسرسیوم «پرگس» متشکل از ۱۱ شرکت اروپایی-آمریکایی با ایران را با شک و تردید نگریست چون در حالی که شرکت‌های اروپایی و آمریکایی از ترس مجازات‌های آمریکا اعلام کردند هرگونه همکاری با ایران را متوقف کردند، چگونه فقط این کنسرسیوم که بیشتر شرکت‌های آن انگلیسی-آمریکایی هستند، تصمیم به عقد قرارداد با ایران گرفته است؟ قبلا نخست‌وزیر سابق ایتالیا با انتقاد از سیاست‌های پشت‌پرده آمریکا که مانع همکاری شرکت‌های این کشور با ایران شده، فاش کرده بود «توتال که توانسته با ایران قرارداد ببندد، از سوی آمریکا ماموریت داشت به ایران برود تا نفت ایران را بخرد و به آمریکا بفروشد!».

۴- اعلام سیاست مذاکره با اروپایی‌ها بعد از خروج آمریکا از برجام را باید در قالب سیاست «حفظ برجام به هر قیمتی» ارزیابی کرد. بعد از هر نقض برجام و بدعهدی آمریکا ادعا می‌کردند «روح برجام نقض شده نه متن برجام»!، «تحریم‌های جدید حجمی است نه موضوعی»!، «اگر نقض فاحش برجام صورت گیرد، واکنش نشان می‌دهیم»! و «اگر مسئولان عالی نظام تصمیم بگیرند، ما اقدام می‌کنیم»!، حال سؤال این است آیا خروج آمریکا نقض فاحش برجام نیست و قرار است چه اقدام دیگری از سوی آمریکا صورت گیرد تا دولت «تصمیمات نظام» را اعلام و به آنها عمل کند؟!

۵- اکنون نیز خروج آمریکا از برجام مصداق این سخن حکیمانه رهبری است که سال ۹۴ تذکر دادند: «به وعده‌هایی که می‌دهد اعتماد نکنید، چون وقتی خرش از پل گذشت به ریش شما می‌خندد!». اکنون نیز همان‌گونه که آمریکا چنین کرد، اروپایی‌ها هم خواهند کرد، مگر اینکه آقایان روحانی و ظریف در «آزمون بزرگ حفظِ عزّت و اقتدارِ ملّت عزیز ایران» برخلاف برجام، این بار نمره قبولی بگیرند!

۶- به نظر می‌رسد بعد از گذشت بیش از یک هفته از مهلت چندهفته‌ای آقای روحانی، آقای ظریف در گرفتن تضمین‌های لازم از اروپایی‌ها براساس «آنچه رهبری مشخص فرمودند» تا اینجای کار هم موفق نبوده است. چرا که اولا بعد از نشست روز چهارشنبه با سه کشور اروپایی، آقای ظریف اذعان کرد «به توافقی نرسیدیم». خانم موگرینی هم بدون اینکه بگوید درباره چه موضوعی غیر از موضوع اصلی که همان تضمین دادن به ایران است، صحبت کرده، گفت «در باره تضمین‌ها صحبت نکردیم و اتحادیه اروپا قادر نیست ضمانت‌های حقوقی- اقتصادی و سیاسی به ایران بدهد»! ثانیا معاون وزیر خارجه روسیه بعد از سفر ظریف به مسکو و مذاکره با لاوروف اعلام کرد «حفظ برجام بدون اینکه ایران امتیازات بیشتری به غرب بدهد امکان‌پذیر نخواهد بود»!!! ثالثا اینکه عباس عراقچی معاون ظریف مدت زمان چندهفته‌ای را به دو ماه افزایش داده، نشان می‌دهد با زیاده‌خواهی‌های طرف‌های اروپایی به خصوص در موضوع موشکی و منطقه‌ای روبه‌رو شده‌اند و محتوای بسته ارائه‌شده سه کشور اروپایی در بروکسل، برای آقای ظریف غیرمنتظره بوده، چون در این بسته از تضمین‌های موردنظر جمهوری اسلامی خبری نبوده بلکه برعکس، درخواست تضمین از ایران برای متعهد شدن به شروط ترامپ مطرح بوده است! لذا هرگونه تلاش بیشتر برای حفظ برجام به هر قیمتی به قول قدیمی‌ها «آب در هاون کوبیدن است!» و دلایل منطقی و عقلی «بسیار بعید است تضمین بدهند» را آشکارتر می‌کند.

۷- بعد از سرنوشت نافرجام برجام آیا تصویب FATF در مجلس که درحقیقت همان تحریم سیستم بانکی و مقابله با نقش جمهوری اسلامی در منطقه است، تلاشی دیگر برای هموار کردن مسیر میز مذاکره ۲ نیست؟ انتظار ملت این بود که مجلس به جای فراهم کردن ریل تشدید و تسهیل تحریم‌ها با تصویب FATF، ریل دولت را برای اجرای قانون اقدامات متقابل تسهیل کند.

دکتر محمدحسین محترم

گزارش خبری تحلیلی کیهان

«مقررات بازدارنده» اروپا کلاه گشاد دیگری برای ایران

در حالی که اروپایی‌ها سعی دارند «مقررات بازدارنده» را به‌عنوان تضمین برجام به ایران قالب کنند، شواهد و دلایل متقن حاکی است این حرکت در واقع کلاهی گشاد با هدف نگه‌داشتن ایران در برجام بدون تامین شدن منافع اقتصادی تهران است.

اعضای اتحادیه اروپا فراتر از وعده‌های کلامی، روز جمعه یک روند حقوقی که به اعتقاد آنها می‌تواند از شرکت‌های اروپایی در برابر آثار فراسرزمینی تحریم‌های آمریکا محافظت کند را آغاز کردند؛ با این حال، آن‌طور که تحلیلگران می‌گویند و از شواهد امر هم پیداست این سازوکار هم اثری فراتر از هشداردهی نمادین به آمریکا ندارد.

این روند حقوقی، «مقررات بازدارنده» نام دارد و قانونی است که پارلمان اروپا نوامبر سال ۱۹۹۶ آن را برای محافظت از شرکت‌های اروپایی در برابر تحریم‌های کشورهای ثالث (اصطلاحاً آثار فراسرزمینی تحریم‌ها) به تصویب رساند.

این قانون، اولین بار بعد از تصویب «قانون تحریم‌های ایران و لیبی» در کنگره آمریکا به تصویب پارلمان اروپا رسید تا از شرکت‌های اروپایی در برابر احتمال اعمال تحریم‌های مربوط به کوبا، ایران و لیبی جلوگیری کند. این قانون، در سطح تئوری، به شرکت‌ها اجازه می‌دهد از اجرای قوانین تحریمی آمریکا خودداری کنند و یا جرائم صادر شده در دادگاه‌های آمریکایی را به رسمیت نمی‌شناسد اما در عمل با گذشت ۲۲ سال از تصویب این قانون و تغییر جدی ماهیت تحریم‌های آمریکا و سازوکار آنها، این قانون هیچ کارایی خاصی نخواهد داشت.

مقام‌های اروپایی ادعا می‌کنند که فعال کردن این قوانین برای ایران می‌تواند از سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های اروپایی در ایران محافظت کند. اصلی‌ترین استدلال آنها این است که اروپا یک بار در سال ۱۹۹۶ با تهدید به استفاده از این قانون، آمریکا را به عقب‌نشینی وادار کرده است.

«ژان کلود یونکر»، رئیس کمیسیون اروپا در پاسخ به سؤال یک خبرنگار درباره اینکه چه ضمانتی برای اثرگذار بودن «مقررات بازدارنده» تحریمی وجود دارد گفت: «درباره تصمیمی که دیشب برای آغاز فرایند مقررات بازدارنده گرفته‌ایم می‌توانم شما را به کاری که در سال ۱۹۹۶ انجام داده‌ایم ارجاع بدهم. برخی از شرکت‌های ما در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند نباید آنها را تنها بگذاریم.»

مقررات بی‌فایده

دکتر «جمشید.ک. چوکسی» رئیس اداره مطالعات مرکز اوراسیا در دانشگاه ایندیانا در این مورد به خبرگزاری «اسپوتنیک» گفت: «فعال کردن و یا اصلاح اساس‌نامه ۱۹۹۶ به حفاظت شرکت‌های اروپایی، بانک‌ها و حتی شرکت‌ها کمک نمی‌کند که از پیامدهای مجازات خزانه‌داری آمریکا در امان باشند. یک شرکت اروپایی، بانک و یا دولت نباید به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم با همتایان آمریکایی کار کند تا پاسخ آمریکا را به دنبال نداشته باشد.»

چوکسی همچنین معتقد است که حمایت‌هایی که سران اروپایی و مقامات دولتی می‌خواهند برای شرکت‌های اروپایی ایجاد کنند، نمی‌تواند خسارت ناشی از کار نکردن با آمریکا که بازار هدف برای این شرکت‌هاست را جبران کند. در نهایت شرکت‌های اروپایی باید بین کار کردن با طرف‌های ایرانی و آمریکایی، یکی را انتخاب کنند و کار کردن با شرکت‌های آمریکایی از لحاظ اقتصادی بسیار به صرفه‌تر است.

«نیکلاس بی» رئیس گروه اروپایی ملل و آزادی در پارلمان اروپا هم با چوکسی هم‌عقیده است و می‌گوید که اهمیت بازارهای آمریکا و ایران با هم قابل قیاس نیست. وی می‌گوید: «در شرایط بحرانی کنونی، «ژان کلود یونکر» رئیس کمیسیون اروپا و «دونالد تاسک» رئیس شورای اروپا فقط برای این در حال تعامل با هم هستند تا ضعف خود را مخفی کنند چرا که بروکسل نمی‌تواند بانک‌ها، شرکت‌های خودروسازی و تمامی شرکت‌ها که به بازارهای آمریکا وابستگی دارند را وادار کند تا با ایران رابط تجاری شوند.»

«دیریو گودفریدی» نویسنده و رئیس‌پیشین موسسه «هایک» هم بر این باور است شرکت‌های اروپایی به دلیل اینکه سیاستمداران اروپایی می‌خواهند تا کوتاهی «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در زمینه روابط فراآتلانتیک را جبران کنند، از منافع عملی چشم‌پوشی نخواهند کرد.

گودفریدی گفت: «با وجود آنچه آقای یونکر می‌گوید و تا حدودی هم تهدیدکننده است، شرکت‌های کوچک و بزرگ اروپایی روابط بازرگانی آمریکای شمالی خود را به خطر نمی‌اندازند تا سیاستمداران در بروکسل را خشنود کنند. در اروپا شکاف ایجاد شده است. ما ممکن است بزرگ‌ترین بازار باشیم اما اروپا در عرصه سیاسی آدم کوتوله است.»

بقیه در صفحه ۱۰

نمایندگان تهیه کردند

طرح ۲ فوریتی با ۷۰ امضاء برای از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از طرح ۲ فوریتی نمایندگان با ۷۰ امضا برای از سر گیری فعالیت‌های هسته‌ای در صورت نتیجه بخش نبودن مذاکرات یک ماهه با اروپایی‌ها خبرداد.

جواد کریمی قدوسی نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی در گفت‌گو با خبرگزاری فارس، گفت: نمایندگان طرحی را تهیه کرده‌اند که در آن آمده در صورتی که مذاکره با اروپایی‌ها طی یک ماه آینده در ارتباط با اجرای برجام نتیجه بخش نباشد فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان از سر گرفته شود.

وی با بیان اینکه این طرح قرار است با قید ۲ فوریت به هیئت‌رئیسه مجلس تقدیم شود، اظهارداشت: اقدامات اولیه برای تهیه این طرح انجام شده و جمع‌بندی نهایی درخصوص آن در روزهای آتی انجام خواهد شد.

افشاگری یک روزنامه درباره «تلگرام گیت»

جزئیات توافق دولت با دوروف در تهران

ماجرای حمایت‌های پیدا و پنهان از تلگرام چیست؟ چه توافقاتی میان دولت و تلگرام صورت‌گرفته که این پیام‌رسان توانست در مدت کوتاهی رقبای خود را کنار بزند و نخستین انتخاب مردم ایران شود؟ چه کسانی می‌خواستند تلگرام یکه‌تاز میدان ایران شود؟ روزنامه صبح نو در شماره دیروز خود طی گزارشی ضمن پاسخ به این سؤالات، جزییاتی از توافق دولت و تلگرام را منتشر کرد.

قرار شد کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه برای بحث درباره فیلتر تلگرام در هفت آبان ۹۷ تشکیل جلسه دهند. جلسه مزبور در تاریخ مقرر تشکیل نشد و علت آن‌هم غیبت نمایندگان دولت در آن بود. غیبتی سؤال‌برانگیز که حتی به رسانه‌ها نیز کشید... البته اعضای دولت دراین‌باره سخنی نگفتند و دلیلی بر غیبت خود نیاوردند اما پیش از آن نیز حسن روحانی برای جلوگیری از تصمیم‌گیری شورای‌عالی فضای مجازی درباره فیلترینگ برخی شبکه‌های اجتماعی، از حضور در جلسه‌ها خودداری کرده بود. جلسات بعدی کارگروه تشکیل شد و قرار شد اگر کانال‌های مستهجن مسدود نشود تلگرام در ایران فیلتر شود اما قبل‌تر از آن توافقاتی دیگر شده بود.

توافقاتی پشت‌پرده با تلگرام

۶ اردیبهشت ۹۷ بود که وزارت ارتباطات اعلام کرد مجوز استقرار CDNهای تلگرام در ایران لغو شده است. آقای حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس‌جمهوری در توییتر نوشت: «مجوز استقرار سرورهای شبکه توزیع محتوای پیام‌رسان تلگرام (CDN) در ایران لغو شده است و ترافیک این پیام‌رسان تنها از طریق ارتباطات بین‌المللی کشور رادیابی خواهد شد. این تسهیلات حاصل یک توافق مشروط بود، حالا که مؤسس تلگرام به تعهداتش عمل نکرده است دلیلی برای ادامه آن باقی نمی‌ماند.»

در ظاهر این یک اعلام برای لغو سرورهای توزیع محتوا در ایران بود اما فعالان فضای مجازی به‌سرعت نکته این پیام را گرفتند. آشنا اعلام کرده مجوز استقرار سرورهای شبکه توزیع محتوای تلگرام در ایران بر اساس یک توافق مشروط با تلگرام بوده است. کدام توافق؟ کسی نمی‌دانست؛ چراکه به‌مثابه دیگر قراردادهای محرمانه دولت، این نکته نیز شفاف نشده بود و حالا آشنا خواسته یا ناخواسته گاف بزرگ را داده بود. آشنا هرچند سعی کرد در توییت‌های بعدی مسئله را لاپوشانی کند اما افشای توافق دولت با تلگرام نکته اصلی بود که هیچ‌گاه رها نشد و تبعات آن تاکنون ادامه دارد. یک روز پس از اعلام حکم قضایی مسدودسازی تلگرام، وزیر ارتباط موافقت تلویحی خود را با این مسئله در توییتر اعلام کرد: «دسترسی شهروندان به منابع اطلاعات، توقف‌ناپذیر است؛ هرچند استفاده از یک نرم‌افزار متوقف شود. نرم‌افزارهای بدیل، شناسایی و جریان آزاد اطلاعات، مجدداً فعال و در گردش خواهد بود. این خاصیت و لازمه دسترسی آزاد به اطلاعات در عصر ارتباطات است.» با اینکه جهرمی سعی می‌کرد با اظهارنظرهای دیگری این مسئله را تلطیف کند و از کنار ماجرای توافق با تلگرام بگذرد اما هنوز این سؤال مطرح بود که ماجرای توافق دولت با تلگرام چیست؟ و چه عواملی پس پرده همکاری با تلگرام هستند؟ جوابی که هنوز پاسخی به آن نداده‌اند.

جزئیات توافق دولت با تلگرام

در نیمه نخست سال ۹۴، پاول دوروف مدیر تلگرام در سفری پنهانی به تهران می‌آید و با دولتی‌ها به مذاکره می‌نشیند. توافقات انجام می‌شود و بنا بر ادعای دولتی‌ها قرار می‌شود کانال‌های مستهجن توسط تلگرام فیلتر شود. امری که ظاهراً انجام می‌شود اما دی‌ماه ۹۶ که از راه رسید مدیر تلگرام راه و روش دیگری در پیش گرفت و تقاضاهای علنی دولت ایران را برای مسدودسازی کانال‌های تروریستی بی‌جواب گذاشت امری که برای دولت گران آمد و دستور مسدودسازی آن را صادر کرد، بااین‌حال تلگرام مدتی بعد دوباره به‌صورت عادی به فعالیت خود ادامه داد. در ادامه پیگیری‌ها برای اطلاع از جزئیات توافق دولت با مدیر تلگرام، خبرنگار «صبح‌نو» به جزئیات دقیق و جدیدی از این توافق و تفاهم دست پیدا کرده است: جزئیات این توافق به شرح ذیل است و اگر مدیر تلگرام آن را رعایت می‌کرد ظاهراً با مسدودسازی در ایران مواجه نمی‌شد:

۱ـ تلگرام باید تضمین دهد اطلاعات کاربران ایرانی را به غیر که احتمالاً در اینجا شرکت‌ها یا دولت‌های غربی است ندهد.

۲ـ تلگرام تضمین دهد مقررات ایران را در مسائل فرهنگی رعایت کند.

۳ـ تلگرام تضمین دهد منافع اقتصادی حاصل از ایران را با دولت تقسیم کند.

۴ـ تلگرام باید تعهد دهد که احکام دادگاه‌های ایران را به رسمیت می‌شناسد.

حال که رئیس‌جمهوری در پیام خود درباره مسدودسازی تلگرام مدعی می‌شود محرمانه نداریم باید درباره این توافقات پاسخگو باشند که چه معاملاتی این وسط انجام شده است. ظاهراً طی این سال‌ها بازهم مدیران دولتی با دوروف مذاکراتی در کشورهای همسایه ایران داشته‌اند که به نتیجه نرسیده است اما نکته جالب اینجاست که تلگرام هنوز در میان دولتی‌ها خاطرخواه دارد. در همین دوران مسدودسازی اگر بخواهید وارد تلگرام شوید پیامک امنیتی آن در سریع‌ترین زمان ممکن با سرشناسه خود تلگرام به مخاطب ارسال می‌شود امری که هنوز یکی از مشکلات اصلی پیام‌رسان‌های داخلی است.

خبر ویژه

ماله‌کشی به سبک کارگزاران بازهم با آمریکا مذاکره کنیم!

رئیس شورای سیاستگذاری حزب کارگزاران می‌گوید ما می‌توانیم روی نیاز ترامپ برای مذاکره با ایران حساب باز کنیم!

روزنامه سازندگی از قول حسین مرعشی نوشت: به نظرم نکته قابل توجه در سخنان ترامپ این است که علاقه‌مند است با ایران به مذاکره بنشیند، مذاکره‌ای برابر و به نظرم به دور از حضور سران اروپایی. این موضوع از سوی مسئولان باید جدی گرفته شود. البته این پیشنهاد به منزله این نیست که ما باید با آمریکا در مورد مسائل هسته‌ای و موشکی خود مجددا به بحث بنشینیم. خیر. ما نباید این کار را کنیم. مسائل هسته‌ای ایران، مذاکرات چندجانبه و مهمی را از سر گذرانده و به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل تبدیل شده است. پس پرونده آن از نظر جمهوری اسلامی بسته شده و دیگر قابل مذاکره مجدد نیست. اما ما می‌توانیم روی نیازهای ترامپ برای گفت‌وگو با ایران حساب باز کرده و در محاسبات و سیاست خارجی کشور این گزینه را لحاظ کنیم.

وی می‌افزاید: ترامپ از جایگاه ایران در منطقه باخبر است. بهتر از اروپا و دیگر سران آمریکا می‌داند که منطقه بدون حضور ایران و نقش ایران هدایت نمی‌شود. می‌داند که ایران نه تنها پیشینه قدرتمند که دولت و ملت قدرتمندی نیز در حال حاضر دارد. می‌داند که ایران به لحاظ استراتژیک و حتی اقتصادی نیز وضعیتش از دیگر کشورهای منطقه بهتر است. حتی این ایران است که امنیت را به عراق و سوریه و افغانستان و دیگر کشورهای منطقه برده است. به همین دلیل ترامپ خود را نیازمند موفقیت در حل مسائل منطقه و مسائل هسته‌ای ایران می‌بیند.

گفت‌وگو با آمریکا برای حل مسائل موجود، به معنی عقب‌نشینی ایران یا امتیاز دادن به کشور آمریکا یا ترامپ نیست، بلکه به مثابه پیشگیری از بن‌بستی است که ممکن است در روابط خارجی کشور ایجاد شود. لذا ما می‌توانیم پیشاپیش برای شکستن بن‌بست‌های بین‌المللی برنامه داشته باشیم.

این قبیل نسخه‌پیچی‌ها برای مذاکره جدید با آمریکای ترامپ در حالی است که دولت ترامپ و اوباما، همان توافق قبلی را به طور پیاپی زیر پا گذاشتند و به جایی رسید که آقای روحانی گفت: آمریکایی‌ها، می‌گویند توافق و تعهدی را که کرده‌ایم، فعلا اجرا نکنیم و دوباره مذاکره کنیم. به کشورهای شرق آسیا می‌گویند بیایید مذاکره کنیم؛ کشورها مگر دیوانه شده‌اند با شما مذاکره کنند، شما تعهدی را که کرده‌اید زیرپا می‌گذارید.

با این وصف به نظر می‌رسد امثال مرعشی، به جای اعتراض به آمریکا، به مثابه جاده‌صاف‌کن و ماله‌کش‌های شیطان بزرگ و خباثت‌های آن عمل می‌کنند و مأموریتشان، وسوسه برای ارتکاب رفتارهای دور از عقل است.

مرعشی و امثال او در حزب کارگزاران، با همین مغالطه‌ها، امثال هاشمی را ترغیب کردند که نسبت به مذاکره با آمریکا ابراز ذوق‌زدگی کند و بگوید «تابو شکست» یا «وزیرخارجه آمریکا قول داده کارهای انجام نشده را جبران کند»!

در ماجرای مذاکرات منتهی به برجام نیز غرب‌گرایان مدعی بودند چون آمریکا نیازمند ایران است، بنابراین می‌توانیم با او مذاکره برد-برد داشته باشیم اما دیدیم که خسارت محض از آب درآمد.

آقای روحانی! با این همه نقض ۸۰ درصد برجام اجرا شده؟!

رئیس‌جمهور چهارشنبه در جلسه هیئت دولت مدعی شد که ۸۰ درصد اهداف برجام محقق شد، این درحالی است که بررسی‌ها چیز دیگری می‌گویند.

روزنامه فرهیختگان، ضمن انتشار این تحلیل خاطرنشان کرد: ۸۰ درصد اهداف برجام محقق شد! این را حسن روحانی می‌گوید و لابد معتقد است هر آنچه از وعده‌های محقق نشده برجام مانده، به آن ۲۰ درصد باقی مانده برمی‌گردد. رئیس‌جمهور در جلسه هیئت دولت با اشاره به دستاوردهای برجام و رفع تحریم‌ها گفت که اگرچه ممکن است از صددرصد خواسته‌های خود در عمل به ۸۰ درصد دست یافته باشیم، اما باید توجه داشت در مذاکره و تعامل با کشورهای بزرگ غربی و آن هم کشور خاصی مثل آمریکا که همواره با ملت ایران تخاصم داشته است، معلوم است که مشکلاتی ایجاد می‌کنند.

صحبت‌های روحانی در حالی است که شواهد و قرائن چیز دیگری می‌گویند. دولتمردان هم البته از این قاعده مستثنی نیستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از آنها در دو سال و چند ماهی که از انعقاد توافق هسته‌ای می‌گذرد بارها از ناچیز بودن دستاوردهای مورد اشاره سخن گفته‌اند.

رئیس بانک مرکزی سه ماه پس از اجرای برجام در گفت‌وگو با تلویزیون بلومبرگ گفت: «برجام تاکنون تقریبا هیچ دستاورد اقتصادی برای ایران نداشته است. با آنکه قرار است سپرده‌های ایران در بانک‌های خارج از کشور قابل دسترس باشند، ما امکان دسترسی به ۱۰۰ میلیارد دلار دارایی‌های مسدودشده را نداریم و ممنوعیت همکاری‌های بین‌بانکی موسوم به «مبادلات چرخه‌دار- U-TURN» به ایران اجازه استفاده از خدمات دلاری در مبادلات خارجی را نمی‌دهد و بانک‌های اروپایی نیز کماکان نگران نقض قوانین آمریکا و مواجه شدن با جریمه‌های سنگین هستند.»

تیر ۹۵، سفیر کره جنوبی در تهران اظهار داشت: «هم‌اکنون برخی کشورها می‌خواهند روابط تجاری بهتری با ایران داشته باشند و این در حالی است که بدون جوهر نمی‌توان این صفحات را از نو نوشت. این جوهر همان فاینانس است که بدون پول و سرمایه امکان آغاز هیچ تجارتی را فراهم نمی‌کند. این تاسف‌آور است که سفارت کره جنوبی با وجود سپری شدن ۶ ماه از اجرایی شدن توافق برجام هنوز پول سفارت خود را از طریق قاچاق به ایران می‌آورد.»

آقای روحانی فروردین ۹۷ تصریح کرد: «من از سیستم ارز در چهار سال گذشته ناراضی بودم. ما باید به سیستم سوم برسیم. چهار سال گذشته می‌رفتیم با گرفتاری فراوان اسکناس تهیه می‌کردیم در هواپیما می‌گذاشتیم، بیمه می‌کردیم در فرودگاه با ماشین مسلح ارز را در بانک مرکزی می‌آوردیم. صبح چند گونی دلار را به صرافی‌ها می‌دادیم.»

همچنین محمدجواد ظریف مهر۹۶ در اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا گفت: «بانک‌های بین‌المللی قبلا به دلیل نقض تحریم‌های ایران با رقم‌های سنگینی جریمه شده‌اند و اکنون به همین دلیل، از بازگشت به ایران هراس دارند. نتیجه این هراس این شده که هشت ماه بعد از اجرای توافق هسته‌ای، هیچ بانک بزرگ اروپایی، مبادله با ایران را آغاز نکرده است[...] آمریکا به جای اعتمادبخشی به شرکت‌ها مبنی بر اینکه تجارت با ایران مشکلی ندارد، آنها را از این کار منصرف می‌کند.» ظریف همچنین در نشست وزیران خارجه ۱+۵ و ایران اظهار داشت: «یک سال بعد از آنکه حمید بعیدی‌نژاد، سفیر ایران در انگلیس، در کنفرانس تجاری ایران در لندن گفت حساب بانکی سفارت ایران در لندن هنوز بسته است، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه در نشست وزیران خارجه ۱+۵ و ایران گفت: «ایالات متحده آن‌طور که در توافق هسته‌ای مقرر شده، تحریم‌ها را رفع نکرده و ما هنوز نمی‌توانیم در انگلستان یک حساب بانکی باز کنیم.»

وزیر نفت نیز اردیبهشت ۹۶ خاطرنشان کرد: «مشکلات بانکی پس از برجام همچنان باقی است که بخشی از آن روانی و بخشی دیگر مربوط به احتیاط بانک‌های خارجی است.»

از سوی دیگر در جریان کنفرانس امنیتی مونیخ که اواسط ماه فوریه برگزار شد، به‌رغم درخواست کنسولگری ایران در مونیخ از فرودگاه جهت سوخت‌رسانی به هواپیمای وزیر امور خارجه، فرودگاه مونیخ این درخواست را رد کرد، چراکه همه شرکت‌های مسئول در این زمینه، از فروش سوخت به هواپیمای ایرانی خودداری کردند. شرکت‌های تامین سوخت از این نگران بودند که با سوخت‌رسانی به هواپیمای وزیر خارجه ایران، تحریم‌های واشنگتن علیه تهران را نقض کنند.

موسویان: تکلیف اروپا با خودش معلوم نیست

در حالی که برخی دولتمردان و حامیان سیاسی آنها نسبت به پایبندی اروپا به برجام و مقابله با آمریکا ابراز امیدواری می‌کنند، سخنگوی اولین تیم مذاکره‌کننده روحانی مقاومت اروپا در مقابل آمریکا را رد کرد.

حسین موسویان که عضو و سخنگوی تیم مذاکره‌کننده روحانی حدفاصل سال‌های ۸۲ تا ۸۴ بود، در گفت‌وگو با هارد تاک بی‌بی‌سی اظهار داشت: لحظه آزمایش بزرگ در روابط ایران و اروپا فرا رسیده است. من از اواسط دهه ۸۰ میلادی دست‌اندرکار روابط با اروپا بودم. همیشه این سؤال برای ایران مطرح بوده که آیا اروپا مستقل از آمریکاست؟ آیا ایران می‌تواند با اروپای منهای آمریکا یک رابطه خوب داشته باشد؟ اکنون زمان نتیجه‌گیری ایران است.

وی با بیان اینکه «ایران فعلا تصمیم گرفته که به برجام متعهد بماند» افزود: اکنون اروپا می‌گوید که به برجام پایبند خواهد ماند. پایبندی به برجام یعنی عمل به آنچه که در قالب برجام متعهد شده‌اند. معنی این حرف این است که اروپا باید بتواند روابط عادی اقتصادی با ایران را حفظ کند اما ما هنوز نمی‌دانیم که آیا می‌توانند یا خیر؟

موسویان درباره اینکه آیا اروپا اراده سیاسی برای پایبندی به برجام را دارد، گفت: معتقدم اروپا اراده سیاسی دارد اما ظرفیت اینکه در مقابل تحریم‌های آمریکا بایستد را ندارد.